

از قبل شناخته شده، از پیش معین گشته، به شباهت مسیح درآمده

رومیان ۲۸:۸-۳۰

و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و به حسب اراده او خوانده شده‌اند همه چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند، زیرا آنانی را که از قبل شناخت ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند، تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد و آنانی را که از قبل معین فرمود ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید ایشان را نیز جلال داد.

رومیان ۲۸:۸ جزئی از دلیل و برهانی است که پولس در رساله رومیان ۱۸:۸ ارائه می‌دهد: «یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است.» به بیانی دیگر، از آنجا که همه چیز، حتی رنجها و سختیها، قرار است همگی با هم برای خیریت ما در کار باشند، پس آن رنجها و زحمتهای قابل تحمل هستند و می‌توان آنها را تاب آورد.

حال، به آیه بعدی (۲۹) توجه کنید که با واژه «زیرا» آغاز می‌گردد. در اینجا است که به شالوده و زیربنای محکم گفته پولس می‌رسیم که همانا ستون و پایه وعده او در آیه ۲۸ می‌باشد، یعنی حقیقت و واقعیتی که این گفته را استوار نگاه می‌دارد، از فرو ریختن آن جلوگیری می‌کند و مانع از آن می‌شود که ما نیز به همراه آن سقوط نماییم.

پولس می‌گوید می‌دانیم که همه چیزها، چه تلخ چه شیرین، برای خیریت ما در کار می‌باشند (آیه ۲۸)، «زیرا»؛ آیه ۲۹ با واژه «زیرا» آغاز می‌شود که شالوده و زیربنای آیه ۲۸ می‌باشد. «زیرا آنانی را که از قبل شناخت ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند، تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد.» این آیه به سه کار عظیم خدا اشاره می‌نماید که قرار است بر آنها تمرکز نماییم، سه عملی که خدا آنها را به انجام رسانیده است تا به شما اطمینان بیشتری بخشد که همه چیز با هم برای خیریت شما در کار است و همه رنج و زحمت این زندگی، نسبت به آن جلالی که ظاهر خواهد شد، هیچ است (۱۷:۸).

آن سه عملکرد خدا را در این عبارتها مشاهده می‌نماییم: (۱) «از قبل شناخت» (۲) «پیش معین فرمود» (۳) «به صورت مسیح متشکل گردیم.» ما یقین داریم که همه چیز با هم برای خیریت ما در کار است، زیرا خدا ما را از قبل شناخت، از پیش معین فرمود و ما را به شباهت مسیح تبدیل می‌سازد. دو مورد از این سه عمل به زمان گذشته بازمی‌گردند (ما را از قبل شناخت و از پیش معین فرمود)، ولی یکی از آنها مربوط به زمان حال و آینده است (ما را به صورت مسیح تبدیل می‌سازد).

همین الان می‌توانم حدس بزنم که برخی از شما دست‌کم به دو دلیل می‌گویید به این موضوع علاقه‌ای ندارید. برخی از شما شاید چنین بگویید: «بی‌تعارف! واقعاً، برای من مهم نیست که در گذشته‌های دور چه تصمیماتی گرفته شده است، نمونه‌اش همین پیش‌دانی خدا و تقدیر او پیش از آفرینش. من به حال اهمیت می‌دهم. ضمن اینکه نکته‌ای هم در آن نمی‌بینم که بخواهم در مورد این‌گونه آموزه‌های کتاب‌مقدس، مانند پیش‌دانی و از پیش تعیین شدن، بحث و گفتگو کنم.»

برخی از شما نیز شاید بگویید: «بی‌تعارف! من نمی‌خواهم مانند مسیح باشم. چون یکی از چیزهایی که او هرگز تجربه نکرد رابطه جنسی بود. ضمن اینکه او بدجور جدی بود و مطمئن نیستم که آیا اصلاً اوقات خوشی هم داشته؟ او آنقدر جنجال‌برانگیز بود که خود را به کشتن داد. حال، قرار است شبیه شدن به عیسی این اطمینان را به من بدهد که همه چیز برای خیریت من در کار است؟ اصلاً، حرفش را نزن! این عملی نیست.»

اکنون، می‌خواهم در مورد این دو دیدگاه صحبت کنم.

«برای من مهم نیست که در گذشته چه تصمیماتی گرفته شده است»

اگر امروز یک نفر نزد شما می‌آمد و می‌گفت که قرار است یک میلیون دلار به شما بدهد، حق داشتید که باور نکنید و برایتان شک برانگیز باشد. حال، فرض کنید کاغذی چین و چروک خورده و قدیمی را به شما نشان می‌داد و می‌گفت: «پدرم که مردی ثروتمند بود چند ماه پیش از دنیا رفت و وصیت کرد که شما وارث یک میلیون دلار از دارایی او باشید.» آیا در پاسخ می‌گفتید: «برای من مهم نیست که در گذشته‌های دور چه تصمیماتی گرفته شده است، من به حال اهمیت می‌دهم، ضمن اینکه واریس مدارک قدیمی، به ویژه وصیت‌نامه و اموری از این دست، می‌تواند خیلی جنجال‌آفرین باشد. پس بهتر است این یک میلیون دلار را فراموش کنیم.» به شما قول می‌دهم آنچه خدا از قبل می‌داند و از پیش معین نموده است ده هزار مرتبه بیشتر از آن میراث یک میلیون دلاری به زندگی شما ربط دارد.

«من نمی‌خواهم مانند مسیح باشم»

و اگر می‌گویید: «بی‌تعارف! من نمی‌خواهم مانند مسیح باشم»، گفته‌تان به این دلیل است که هم طرز فکر شما درباره این شباهت اشتباه است و هم بسیار محدود و کوتاه‌بینانه به آن می‌نگرید. وقتی زندگی‌تان به پایان رسد چطور؟ آیا می‌خواهید وقتی از دنیا می‌روید مانند مسیح باشید؟ آیا می‌خواهید چون به پسر خدا ایمان نداشته‌اید داور عالم هستی به شما پشت کند و به مجازات ابدی محکوم شوید؟ یا که می‌خواهید از مردگان برخیزید و به شما محبت شود و با آغوش گرم از شما استقبال گردد؟ آیا می‌خواهید مانند مسیح از مردگان قیام کنید یا می‌خواهید به مسیح شبیه نگردید و هلاک شوید؟ این پرسشی ناچیز و کم‌اهمیت نیست. از شما استدعا می‌کنم گوش فرا دهید.

پس بیایید ابتدا اولین و دومین عملکرد خدا را که در گذشته‌های دور روی داده است بررسی نمایم، سپس به این نگاه کنیم که خدا امروز و فردا چه خواهد کرد.

«زیرا آنانی را که از قبل شناخت»

آیه ۲۹: «زیرا آنانی را که از قبل شناخت ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند.» عبارت «از قبل شناخت» به چه معنا است؟ برخی بر این اعتقادند که خدا صرفاً از پیش می‌داند که چه کسانی به او ایمان می‌آورند، پس همان افراد را از پیش مقدر می‌کند که به شباهت عیسی درآیند. اما این فرضیه به دو نکته اشتباه اشاره می‌کند. یکی اینکه، این فرضیه آن ایمانی را که خدا از پیش از آن باخبر است، بی‌چون و چرا، کار ما به حساب می‌آورد نه کار خدا، یعنی در نهایت این ما هستیم که ایمان می‌آوریم. به بیان دیگر، نکته چنین تفسیری این می‌باشد که خدا باعث و بانی ایمان ما نیست، بلکه او فقط ایمانی را که ما در خود می‌پرورانیم از پیش می‌داند و آن را پیش‌نگری می‌کند.

و این چیزی نیست که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد. نه در آیات نامبرده چنین چیزی می‌بینیم نه در هیچ کجای دیگر (فیلیپیان ۱:۲۹؛ افسسیان ۲:۸-۹؛ دوم تیموتائوس ۲:۲۴-۲۶؛ متی ۱۶:۱۷). وقتی پولس در رومیان ۸:۳۰ می‌نویسد: «آنانی را که از قبل معین فرمود ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید» منظورش این است که همه خوانده‌شدگان عادل محسوب می‌شوند، ولی برای عادل شمرده شدن باید ایمان بیاوریم (رومیان ۱:۵). بنابراین، نکته پولس این است که همه کسانی که خوانده می‌شوند ایمان می‌آورند و عادل شمرده می‌شوند. اما او چگونه می‌تواند بگوید که «همه» خوانده‌شدگان ایمان می‌آورند؟ سعی من این است که با توضیح عبارت «خوانده شده‌اند» در آیه ۲۸ به این پرسش پاسخ دهم. این خواندگی کار قدرتمند خدا است که آنچه را خواستارش است به انجام می‌رساند. این یک خواندگی ثمربخش و موثر است، این همان خواندگی است که وقتی به هر چیزی حکم می‌کند آن چیز هستی می‌یابد و به ثمر می‌نشیند، همانند زمانی که فرمود: «ابلعازر، بیرون بیا!» و آن مرده زنده گشت. پس نکته این است که ایمان آوردن به منظور عادل

شمرده شدن چیزی نیست که من به قوت خودم انجامش دهم، بلکه این خدا است که مرا قادر می‌سازد و به من توانایی می‌بخشد و من باید آن را به‌جا آورم. ایمان آوردن عمل من است، اما این عمل من هدیه خدا است، پس اعتبار اصلی از آن من نیست. من برای این ایمان شکرگزار خدا هستم. از ابتدا تا انتها، این فیض حاکمانه و مقتدرانه بوده که مرا نجات بخشیده است.

پس این فرضیه اشتباه است که برخی معتقدند وقتی رومیان ۲۹:۸ می‌فرماید «خدا از قبل شناخت» منظور این است که او صرفاً از پیش می‌دانست که آنها با قدرت و توانایی خودشان ایمان می‌آورند. این خدا است که قدرت می‌بخشد، در نتیجه، موضوع فقط این نیست که خدا آنچه را که ما انجام می‌دهیم صرفاً از پیش می‌داند.

حال، دیگر فرضیه اشتباه را بررسی نماییم. این فرضیه معتقد است که عبارت «از قبل شناختن» به همان مفهومی نیست که در بسیاری دیگر از آیات عهدعتیق و عهدجدید نیز به کار رفته است. حال، به آیاتی که واژه «شناختن» را به کار برده‌اند توجه کنید و معنای آنها را از خود سوال نمایید. در پیدایش ۱۹:۱۸، خدا درباره ابراهیم می‌فرماید: «او را می‌شناسم که فرزندان و اهل خانه خود را بعد از خود امر خواهد فرمود تا طریق یهوه را حفظ نمایند.» تقریباً، همه نسخه‌های دیگر این آیه را چنین ترجمه کرده‌اند: «او را برگزیده‌ام.» خدا در کتاب عاموس ۲:۳ به قوم اسراییل می‌فرماید: «من شما را فقط از تمامی قبایل زمین شناختم.» او همه قومها را می‌شناخت، اما فقط قوم اسراییل را انتخاب نمود. عیسی در انجیل متی ۲۳:۷ خطاب به ریاکاران در روز داوری چنین می‌فرماید: «هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران از من دور شوید!» مزمور ۶:۱ می‌فرماید: «یهوه طریق عادلان را می‌داند، ولی طریق گناهکاران هلاک خواهد شد.» او از طریق شریران نیز آگاه است، اما طریق عادلان را به این معنا می‌شناسد که آن را تأیید و تصدیق می‌نماید و دوست می‌دارد. خدا در کتاب هوشع ۵:۱۳ به قوم اسراییل می‌فرماید: «من تو را در بیابان، در زمین بسیار خشک، شناختم.» یعنی خدا به گرفتاری و فلاکت تو توجه کرد و به فریاد تو رسید. پیدایش ۱:۴ نیز می‌فرماید: «و آدم زن خود حوا را بشناخت و او حامله شده فائز را زایید.» آدم حوا را از آن خود کرد، به او محبت می‌ورزید و دوستش داشت.

با توجه به همه این آیات، گمان می‌کنم کاملاً حق با جان‌استات و جان‌موری باشد: (واژه «شناختن» به شکلی به کار رفته که عملاً مترادف و هم‌معنی با «محبت» است . . . بنابراین، عبارت «آنانی را که از قبل شناخت» تقریباً به این معنا است: «آنانی را که از قبل محبت نمود.» پیش‌دانی یعنی محبت مطلق و مقتدرانه و متمایزکننده (جان‌استات؛ نقل‌قول از موری؛ رومیان، صفحه ۲۴۹). این پیش‌دانی مانند این است که محبت خود را بر چیزی قرار بدهید و آن را برای خود برگزینید.

بنابراین، مفهوم نخستین عملکرد خدا در رومیان ۲۹:۸ این است که خدا از پیش می‌داند خاصان‌ش چه کسانی هستند، به این معنا که آنها را برگزیده، محبت کرده و مراقبت می‌نماید. پولس در آیات بعدی که به آموزه «برگزیدن» یا «انتخاب کردن» پرداخته (رومیان ۸:۳۳؛ ۱۱:۹؛ ۵:۱۱) در این مورد توضیح داده است.

اگر شما جزو خواننده‌شدگان هستید و خدا را دوست دارید، همه‌چیز با هم برای خیریت شما در کار است، چرا که همان‌طور که آیه ۲۹ می‌فرماید خدا پیش از بنای عالم (افسیان ۴:۱؛ دوم تیموتائوس ۹:۱؛ اول پطرس ۲۰:۱؛ مکاشفه ۸:۱۳؛ ۸:۱۷) شما را شناخته و برگزیده و محبت نموده است.

«پیش‌معین فرمود»

«از پیش‌معین فرمود» دومین کاری بود که خدا در گذشته‌های دور به انجام رساند تا وعده «همه‌چیز برای خیریت ما در کار خواهد بود» را قطعی سازد. «زیرا آنانی را که از قبل شناخت ایشان را نیز پیش‌معین فرمود.» این عبارت صرفاً به این معنا است که خدا حتی پیش از

آفریدنشان شما را برای خودش برگزیده است، محبت و توجه و مراقبتش را بر شما قرار داده است و تصمیم گرفته شما به چه شکل باشید، یعنی به تصویر پسرش تبدیل گردید.

«پیش معین فرمود» به این معنا است که سرنوشت شما پیش از این مقرر و مقدر شده است. این آیه بنیان و زیربنای محکمی برای وعده رومیان ۲۸:۸ می‌باشد، چرا که برای آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بر حسب وعده او خوانده شده‌اند مقدر شده است که مانند عیسی باشند، یعنی مقدر شده به شباهت مسیح درآیند. همه چیز با هم برای خیریت شما در کار است، چرا که پیش از آفریده شدنشان خدا شما را برگزیده و محبت نموده است و این برگزیدن و محبت نمودن خودش را در آینده‌ای مقدرشده برای شما نمایان می‌سازد که عظمت آن در وصف نمی‌گنجد، آینده‌ای که مقدر شده تا به شباهت مسیح درآیید. همه چیز برای خیریت شما در کار است، زیرا همه چیز در کار است تا شما را مانند عیسی سازد. به همین منظور، محبت شدید و به همین منظور از پیش معین گشتید.

این همان یک میلیون دلاری است که در وصیت‌نامه پدر دوست شما درج شده بود. درست همان‌طور که آن بند قانونی و لغوناپذیر از وصیت‌نامه ثروتمند شدن شما را در این دنیا تضمین می‌کند، پیش‌دانی و تقدیر لغوناپذیر خدا نیز جلال و شادی جاودانه‌تان را تضمین می‌نماید.

«تا ما را به تصویر پسرش تبدیل نماید»

دوباره به موضوعی بازمی‌گردیم که پیشتر به آن اعتراض شده بود. شاید مانند عیسی بودن مایه شادی و خرسندی نباشد، شاید شبیه شدن به عیسی رنج و سختی زمان حاضر را در قیاس با آن جلالی که ظاهر خواهد شد هیچ نکند. پس باید به آخرین عملکرد خدا رجوع نماییم که در آیه ۲۹ بدان اشاره شده است: خدا در کار است تا ما را «به صورت پسرش تبدیل سازد، تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد.»

تا وقتی فکر شما به شباهت فکر مسیح درنیاید، شاید آموزه شبیه شدن به مسیح بیشتر کلنجارآفرین باشد تا تسلی‌بخش. قصد و نیت این آیه‌ها آن است که به شما تسلی و قوت و اطمینان بخشد که بهترین و بدترین وقایع زندگی‌تان به خیریت شما خواهند بود، چرا که مسیح را دوست دارید و به منظور جلال یافتن برگزیده و از پیش معین گشته‌اید، اما تأثیر این آیه‌ها فقط زمانی کارساز خواهد بود که خدا میزانی از فکر و روح مسیح را به شما عطا نماید.

منظورم این نیست که شما را سرزنش یا محکوم کنم که چرا با این موضوع کلنجار می‌روید. اتفاقاً، برعکس، این را می‌گویم تا شما را تشویق کنم. حتماً، می‌دانید که اگر می‌خواهید از نظر رفتار و کردار به شباهت عیسی درآیید باید که همه عمر با اعمال نادرست بچنگید، اگر می‌خواهید در احساسات و عواطف‌تان به شباهت عیسی درآیید باید که همه عمر با احساسات نادرست بچنگید. به همین نسبت، اگر می‌خواهید از نظر ذهنی به شباهت عیسی درآیید لازم است که همه عمر با افکار نادرست مبارزه نمایید. پس هرگز از این تعجب نمی‌کنم که بعضی افراد در خصوص تعالیم دشوارتر کتاب مقدس لغزش می‌خورند. یک‌باره نمی‌توان به شباهت مسیح درآمد. نه رفتار و احساساتمان به یک مرتبه شبیه او می‌گردند نه طرز فکرمان.

پس بیایید برای یکدیگر دعا کنیم که در روند شبیه شدنمان به مسیح، در هر قدمی، او تمجید گردد و ما از این اطمینان محکم و پابرجا لذت ببریم، چرا که به سبب برگزیدگی و از پیش تعیین شدنمان همه چیز با هم برای خیریت ما در کار است. اگر کنجکاوید که بدانید آیا جزو برگزیدگان و از پیش تعیین شدگان و خوانده‌شدگان هستید، این‌گونه می‌توانید به جواب برسید: آیا بیش از هر چیز دیگر مشتاق عیسی هستید و برای نجات از گناهانتان به او اکتفا می‌کنید؟ آیا عیسی تا ابد خشنودی و خرسندی دلتان است؟ اینها نشانه‌های کسی

است که فرزند خدا می‌باشد. آن که پسر را دارد حیات را دارد (اول یوحنا ۵:۱۲). به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند (یوحنا ۱:۱۲). او را قبول کنید!

جان پای پر

www.MahfeleEnjil.com